

بررسی مؤلفه‌های معماری اسلامی دوره ایلخانان از دریچه تاریخ اجتماعی

(دوره ایلخانان: معمار و صنف معماری، ناظر صنف، حامیان و بانیان)

غلامرضا جمال‌الدین*

احمد صالحی کاخکی**

چکیده

یک اثر معماری زنجیری بهم پیوسته از مولفه‌های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی دوران خود است. معمار، حامیان و بانیان، ناظران و قانون‌های شرعی و عرفی، هر یک به نوعی در مسیر یک اثر تاثیرگذار هستند. تاریخ اجتماعی گرایشی از تاریخ محسوب می‌شود که می‌تواند به مطالعه این حوزه‌ها و بررسی نقش گروه‌ها در فرآیند یک اثر معماری بپردازد. در این مقاله جهت امکان‌سنجش چنین رویکردی در بررسی معماری اسلامی ایران، با انتخاب دوره ایلخانان و بررسی و تحلیل متون این دوره، به بحث در باب شأن اجتماعی معمار و صنف معماران در این دوران، و اینکه ناظران این صنف و بانیان و حامیان چه اختیاراتی داشتند، پرداخته خواهد شد. نتایج این تحقیق، از وجود چهار گروه معماران در مراتب متفاوت اجتماعی، نظارت و اختیارات وسیع محتسب بر صنف معماران و ساخت‌وسازهای شهری، و طیف وسیعی از حامیان و بانیان حکومتی و مردمی با شأن اجتماعی متفاوت خبر می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: تاریخ اجتماعی، معماری اسلامی ایران، ایلخانان، معمار و صنف معماری، ناظر صنف، حامیان و بانیان.

* کارشناس ارشد مطالعات معماری ایران، دانشگاه هنر اصفهان (نویسنده مسئول)، miladjamaledin@gmail.com

** دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان، Salehi.k.a@au.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۱

۱. مقدمه

تاکنون در باب تاریخ معماری اسلامی ایران، کتب و آثار زیادی منتشر شده است؛ اما اکثر این پژوهش‌ها به نقش و مداخله مولفه‌های گوناگون در فرآیند یک اثر معماری، چون سیاق اجتماعی و فرهنگی، جایگاه اجتماعی معمار، بانی و حامی، و قانون‌های عرفی و شرعی عنایت و توجه چندانی نداشته‌اند. در تاریخ‌نگاری معماری اسلامی ایران، توجه صرف به دولت‌ها و وقایع سیاسی از یک سو، و توجه به آثار فاخرانه از سوی دیگر سبب شده تا ابعاد و زوایای بسیاری از معماری آن پوشیده بماند، و همچنین در بسیاری از مقوله‌های تفسیر و تحلیل آن، نگاه و جهتی یک‌طرفه و تک‌بعدی بر تاریخ‌نگاریش تحمیل شود. بنابراین نیاز به حوزه‌ها و رویکردهای دیگری است تا بتوان به جنبه‌های پنهان و مغفول معماری اسلامی ایران پی‌برد و تاریخ‌نگاری متفاوتی را با آنچه که امروز شکل گرفته است، رقم زد. همان‌طور که به اذعان بسیاری از پژوهشگران این حوزه، مطالعه متعارف و رسمی تاریخ معماری ایران همچنان راه درازی تا رسیدن به منزل‌های نخست در پیش دارد، و باید در پی راه‌هایی نو برای شناخت جنبه‌های مغفول معماری ایران برآمد.^۱ رویکردهای جدید در این زمینه می‌تواند در شناسایی جنبه‌های پنهان معماری اسلامی ایران مفید واقع شود. یکی از این رویکردها، تاریخ اجتماعی است که واکنشی بود به تاریخ‌نویسی سیاسی که در آن دولت و اربابان، محور حوادث تاریخی و هنری محسوب می‌شدند.

این نوع رویکرد یا تاریخ‌نگاری^۲ تلاش می‌کند رویدادهای تاریخی را از منظر جریان اجتماعی دنبال کند، و با تغییر مشاهدات خود، و توجه به لایه‌های و ساختارهای مختلف یک جامعه، نگاهی واقعی‌تر از شرایط سازنده یک دوره تاریخی ارائه بدهد (برک ۱۳۸۱؛ زندیه ۱۳۹۰؛ نوذری ۱۳۹۲). قصد این رویکرد، جایگزین شدن به جای تاریخ سیاسی است تا تاریخ وسیع‌تر و انسانی‌تری را ارائه بدهد، تاریخی که تمام فعالیت‌های انسان را شامل می‌شود و با نقل حوادث کمتر مرتبط است (برک، همان: ۲۲). در این مقاله به بررسی چرستی و مفهوم تاریخ اجتماعی، و امکاناتی که این نوع رویکرد در بررسی معماری اسلامی ایران (دوره ایلخانان) می‌تواند به همراه داشته باشد، پرداخته خواهد شد. سه بحث و جریان اصلی در تاریخ اجتماعی توسط مورخان این حوزه مطرح شده است.

در یک رویکرد، مباحث تاریخ اجتماعی در امتداد و ذیل تاریخ سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرند، و فقط نوع پرسش‌گری از رویدادهای تاریخ تغییر می‌کند. در رویکرد دوم، نقش تاریخ فرهنگی و قومی برجسته می‌شود و به نحوی تاریخ سیاسی به طور کلی نادیده

گرفته می‌شود. فرهنگ، قوم‌شناسی، انسان‌شناسی، جمعیت، اقتصاد، زنان و غیره از مولفه‌های مورد استقبال و پذیرش این حوزه است (اتابکی، ۱۳۸۲ الف: ۱۰؛ موسی‌پور، ۱۳۸۶: ۱۴۵؛ زنده، همان: ۱۶۳). در آخرین حوزه، مورخان دیگری به دنبال نگاه و نگرشی بینابینی و چندجانبه هستند. این گروه سعی بر آن دارند تا هم تاریخ سیاسی و هم تاریخ فرهنگی را مورد توجه قرار دهند. در این نگرش، تاریخ سیاسی به نحوی زیر مجموعه تاریخ اجتماعی محسوب می‌شود. خود این رویکرد و حوزه، سه حوزه فرعی را در بر می‌گیرد. اول بررسی پیوند و ارتباط دولت و مردم، دوم بررسی ارتباط مردم با مردم و سوم بررسی رابطه مردم با زیست جهان مادی و غیر مادی، یعنی اسلوب زندگی، نظام معماری و شهرسازی، آداب و رسوم، رفتارها و نظائر آن که در این حوزه قرار دارد (اتابکی، ۱۳۸۲ ب؛ رحمانیان، ۱۳۸۵). در این مقاله، با انتخاب یک برهه زمانی از تاریخ اسلامی ایران یعنی ایلخانیان، و رجوع به متون و منابع این دوره، به شناسایی و بررسی برخی جنبه‌هایی که از سوی پژوهشگران کمتر مورد اعتنا بوده است، پرداخته می‌شود.

در ابتدا به جایگاه صنف معماران و مهندسان و نحوه طبقه‌بندی ایشان در جامعه این دوره پرداخته می‌شود. سپس، از گروه‌های معماران این دوره که در طبقات و مراتب مختلف اجتماعی قرار داشتند، صحبت خواهد شد. وجود چهار گروه معمار و مهندس با شأن متفاوت و به تبع، تاثیرگذاری متفاوت در مسیر و آثار معماری، از نقش و اختیارات متمایز آنها در یک اثر بحث دارد. در بخش بعدی، از وظایف محتسب و تشکیلات حکومتی این دوران که نظارت و بازرسی بر اصناف معماران و مهندسان را برعهده داشتند، صحبت می‌شود. همچنین در باب نقش محتسب بر نظام معماری و شهرسازی این دوران صحبت خواهد شد. هدف این بخش بررسی نحوه اجرای قانون‌های شرعی و عرفی توسط محتسب است که تا چه حد بر نظام معماری و شهرسازی این دوران تاثیر داشت. در آخرین قسمت، از مهمترین حلقه ساخت‌وساز معماری، یعنی حامیان و بانیان گزارشی داده خواهد شد. طیف حامیان و بانیان که در این دوره از معمار و معماری حمایت می‌کردند، و هر کدام دارای ساختار و تشکیلات خاص خود در برپایی عمارات و بناها بودند، نمایشی است از پیچیدگی و چند لایه بودن جریان‌های معماری این دوران.

در بررسی آثار معماری صرفاً نباید تحلیل و مطالعه را به نتیجه نهایی آن، یعنی خود اثر محدود کرد؛ مطالعه آثار فقط بخشی از تاریخ معماری را آشکار می‌سازد. بررسی و تحلیل مولفه‌های سازنده آثار معماری از دریچه تاریخ اجتماعی می‌تواند شبکه‌ای از عوامل و مفاهیم گوناگون و مضامین نهفته را که بر یک رویداد و یا اثر هنری تاثیر گذاشته‌اند را

مشخص کند، و در تاریخ‌نگاری آن، چشم‌انداز وسیع‌تری را برای پژوهشگران این حوزه به همراه بیاورد.

۲. سوالات تحقیق

پرسش و مساله اصلی این مقاله این است که با تعریف و مشخص کردن رویکرد تاریخ اجتماعی، در بررسی معماری دوره ایلخانان از چه حوزه این تاریخ‌نگاری می‌توان بهره جست؟ همچنین این مساله مطرح می‌شود که شأن معمار و صنف معماران در این دوران به چه نحوه بود و از چند گروه معماران در این دوره می‌توان صحبت کرد؟ و ناظران و بازرسان صنف معماران، و حامیان و بنیان چه نقش و اختیاراتی را داشتند؟

۳. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش و بررسی مستقلی درباره معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانی از نگاه تاریخ اجتماعی، با رجوع و استناد به منابع و متون این دوره صورت نگرفته است. با وجود این، شماری از پژوهشگران در باب اوضاع و شرایط اجتماعی و فرهنگی این دوران آثاری را منتشر کرده‌اند. مرتضی راوندی در کتاب ۱۰ جلدی خویش «تاریخ اجتماعی ایران» به بررسی اوضاع و شرایط گوناگون این دوران پرداخته است. غلامحسین یوسفی در مقاله‌ای مفصل در مجله شماره ۱۹ «جستارهای ادبی»، به اوضاع اجتماعی این دوران بر پایه آثار رشیدالدین پرداخته است. یزدان فرخی مقاله‌ای را با عنوان «نقد و بررسی دستورالکاتب فی تعیین المراتب»، به بررسی طبقات و گروه‌های اجتماعی در دوره ایلخانان اختصاص داده است. با این حال، هیچ‌یک از این پژوهش‌ها، به بررسی معماری این دوران و مولفه‌های آن از دریچه تاریخ اجتماعی نپرداخته‌اند. هدف این مقاله پوشش این موضوع است.

۴. روش تحقیق

این مقاله درصدد است تا با روش توصیفی و تحلیلی و به شیوه مطالعات کتابخانه‌ای، به بررسی و تحلیل و استخراج اطلاعات متون در باب ارکان و ساختارهای خرد و کلان جامعه ایلخانی که بر فرآیند آثار معماری تاثیرگذار بودند، بپردازد. مبحثی که در این مقاله به آن پرداخته خواهد شد این موضوع است که چه مولفه‌هایی تعریف‌کننده مسیر ساخت آثار

معماری بودند، و در حلقه یک ساخت‌وساز چه عواملی دخیل و تا چه حد نقش و تاثیر داشتند.

۵. تاریخ اجتماعی

تاریخ اجتماعی شاخه‌ای از دانش کلی تاریخ دانسته می‌شود که به موضوعات مختلف و گوناگونی چون: زنان، خانواده، روابط و ساختارهای خویشاوندی، طبقات و گروه‌های اجتماعی، و به طور کلی ویژگی‌های مناطق برون شهری، شهر و شهرنشینی، تغذیه و پوشاک، رابطه ذهنیت‌های جمعی با ساختار دولت و یا دگرگونی‌های علمی و فنی و مسائلی از این قبیل می‌پردازد. با توجه به گستردگی این حوزه، مورخان اجتماعی در رویکرد خود، به دو دسته تاریخ خرد (Micro History) و تاریخ کلان تقسیم می‌شوند (Tilly, 1980: 668؛ رحمانیان، همان: ۴). در یک نگاه کلی، سه حوزه برای تاریخ اجتماعی تعریف شده است. یک) تاریخ لایه‌ها، گروه‌ها و طبقات پایین جامعه، و جنبش‌های اجتماعی این گروه‌ها و طبقات، و نقش‌شان در فرآیند تکوین جامعه (Samuel, 1985: 3). دو) تاریخ فعالیت اجتماعی انسان‌ها که بیشتر با رفتار اجتماعی زندگی روزمره آنها تعیین می‌شود. سه) و گاه حوزه تاریخ اجتماعی، بیشتر با تاریخ اقتصادی پیوند می‌خورد (اتابکی، ۱۳۸۲: ۴؛ Conrad, 1999: 14229).

تاریخ اجتماعی طغیانی بود در برابر انحصار تاریخ‌روایی عمومی که صرفاً به گزارش و توصیفات سیاسی و دولتی می‌پرداخت. در پایان قرن نوزدهم، برخی از مورخان از نحوه تاریخ‌نویسی که مبتنی بر محور رویدادهای بزرگ سیاسی، جنگ‌ها، زد و خورد و برآمدن و برافتادن دولت‌ها بود، بسیار ناخرسند بودند. یکی از برجسته‌ترین منتقدان این نوع تاریخ‌نویسی، «کارل لمپرشت» بود. وی خواهان نوعی تاریخ جمعی بود که در یافتن مفاهیم مورد نظر خود، به سایر رشته‌های دیگر چون روانشناسی اجتماعی و جغرافیای انسانی نیز توجه کند (برای دگرگونی شیوه‌های تاریخ‌نگاری نک: کالینگوود، ۱۳۸۹؛ استنفورد، ۱۳۹۲). این چنین تحولات در حوزه تاریخ و تاریخ‌نگاری، در دهه بیست قرن بیستم، در فرانسه نهضت جدیدی را به دنبال داشت (Conrad, Ibid: 14300 Evans, 2015). گروهی از استادان دانشگاه استراسبورگ به انتقاد علیه مورخان سنتی پرداختند که صرفاً به تاریخ معطوف به وقایع نظر داشتند^۳ (نوذری، ۱۳۹۰: ۴۳۰). این نهضت یا جنبش که بنام «بلوخ - فبور» (Bloch - Febvre) نام‌گذاری می‌شود (جهانگرد، ۱۳۷۸: ۱۱؛ اتابکی، ۱۳۸۲: الف: ۱۰)

هدف خود را نوشتن تاریخی می‌دانست که تمامی عرصه‌های فعالیت انسان‌ها را دربرمی‌گرفت و کمتر به نقل حوادث و وقایع می‌پرداخت و بیشتر به تحلیل ساختارها توجه داشت.

از نگاه برخی محققان، تاریخ اجتماعی تعریف و مرز مشخص ندارد، و اختلاف آرای فراوانی بر دایره شمول، ماهیت و مبانی و خاستگاه آن وجود دارد. منابع تاریخ اجتماعی بسیار متنوع است، و مطالب گوناگونی همچون گزارش‌های رسمی، اسناد حقوقی، جراید، کتابچه‌ها، موضوع‌های هنری، پوسترها، آثار ادبی و نظائر آن را در بر می‌گیرد (زندیه، همان: ۱۶۱). این نوع تنوع نگرش‌ها در حوزه تاریخ اجتماعی منجر به ابهام زیادی در تعریف ماهیت این رشته شده است. یک عنوان که به تاریخ اجتماعی به علت تنوع کیفی و کمی داده شده است، «تاریخ اجتماعی بدون طرح» (Social History Unschematic) است. این عنوان اشاره‌ای است به گستردگی دامنه و حوزه‌های پژوهش تاریخ اجتماعی. تعداد مورخان اجتماعی بسیار کمی به تبیین جنبه‌های روش‌شناسانه برای آن پرداخته‌اند. کریستوفر لویید (Christopher Loyd) و ثدا سککپول (Theda Skocpol) از محدود کسانی هستند که تلاش‌هایی در این زمینه انجام داده‌اند (موسی‌پور، همان: ۱۵۰). اما هنوز هیچ کس متن قابل توجهی درباره اصول روش‌شناسی تاریخ اجتماعی و تکنیک‌ها، مفاهیم، نظریه‌ها و شیوه دستیابی به اطلاعات را پدید نیاورده است. با این حال، به ظن بسیاری از مورخان این حوزه، تاریخ اجتماعی نه یک روش که یک جریان بسیار وسیع است که به صورت نوعی تاریخ ترکیبی عمل می‌کند و با دیدگاه جامعی، مقوله‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی را مورد تحلیل و تفسیر قرار می‌دهد تا از طریق حوادث نه صرفاً سیاسی، به تاریخ‌نگاری اقدام نماید (Samuel, Ibid: 4; Tilly, Ibid: 668) (همچنین نک: استفورد، همان: ۱۴۷-۱۸۰).

۶. نسبت تاریخ اجتماعی و تاریخ فرهنگی

نکته‌ای که در اینجا جهت تکمیل مباحث تاریخ اجتماعی باید گفته شود، وجود یک رویکرد مشابه و به نسبت تازه در حوزه تاریخ‌نگاری است که با عنوان رویکرد تاریخ فرهنگی (Cultural History) شناخته می‌شود. بسیاری از موضوعات و الگوهای مورد پژوهش در این نوع از تاریخ، نسبت و قرابت نزدیکی با تاریخ اجتماعی دارد. این رویکرد که مانند تاریخ اجتماعی، روش علوم اجتماعی را برای تاریخ‌نویسی مورد استفاده قرار می‌دهد و شباهت بسیار نزدیکی به جامعه‌شناسی تاریخی دارد، به نحوی از وجوه اصلی

تاریخ اجتماعی محسوب می‌شود. بازشناسایی طبقات مردم، شناسایی طبقات جامعه، بررسی روابط طبقات گوناگون با یکدیگر، تاریخ هنر فرهنگ عامه و رقص و نظائر آن، از موضوعات مشترک این دو تاریخ‌نگاری محسوب می‌شود (هال، ۱۳۸۹: ۲۵)، و از این رو، گاه تعیین مرز و حد بین این دو بسیار مشکل است. در واقع نه تاریخ فرهنگی می‌تواند از شرایط اجتماعی و اقتصادی دورانش دور باشد و نه تاریخ اجتماعی از فرهنگ زمانه خویش غافل بماند (همان، ۲۶).

۷. بررسی مولفه‌های معماری دوره ایلخانیان از دریچه تاریخ اجتماعی

بی‌گمان بخش مهمی از شناخت تاریخ معماری ایران در گرو و رجوع به اسناد دیوانی و متون تاریخی است. هرچند بسیاری از این متون و اسناد، گزارش‌ها و یادداشت‌ها دولتی محسوب می‌شوند، اما قابلیت استخراج موارد و مسائلی ارزشمندی را در باب جامعه روزگار خویش برای محققان به همراه دارند. از این رو، می‌توان با دسته‌بندی اطلاعات این اسناد به ویژه آن داده‌هایی که به اقشار و گروه‌های اجتماعی می‌پردازد، حوادث و وقایع تاریخی و هنر و معماری این دوران را با نظری وسیع‌تر و صرفاً محدود نبودن به جریان‌های مشهور سیاسی، بررسی و مورد تحلیل قرار داد. اما برای بررسی معماری دوره ایلخانی به چه طریق می‌توان از حوزه تاریخ اجتماعی بهره برد؟ همان‌طور که در ابتدای مقاله گفته شد، تاریخ اجتماعی به تعریف بسیاری از پژوهشگران نه یک روش، بلکه عبارت است از جریانی بسیار وسیع که به طور طبیعی در سیر تحول تاریخ‌نگاری سیاسی در قرن بیستم پدید آمد. بسیاری از مورخان در این حوزه مدعی‌اند که هدف این نوع تاریخ‌نگاری بر این است که به مثابه صورتی از تاریخ ترکیبی عمل کند که به بیان و گزارش‌های مشهور تاریخی اکتفا نمی‌کند؛ بلکه در پی تحلیل داده‌های تاریخی به شیوه‌ای نظام‌مندتر از رویکردهای پیش از خود است (موسی‌پور، همان: ۱۴۷).

در اینجا می‌توان در یک نظر کلی، درباره سه رویکرد در این تاریخ‌نگاری که مورد بحث است، صحبت کرد. در یک رویکرد، برخی در درون نظام تاریخ اجتماعی برآند تا به جای پرسش از «چه کسی»، «کی» و «کجا»، باید بر علل جنبش‌ها و جریان‌ها در تاریخ تمرکز کرد. این مورخان در واقع در ذیل همان تاریخ‌نویسی سنتی قرار دارند؛ اما پرسش‌های متفاوتی را دنبال می‌کنند و در ظل گزارش‌های تاریخ سیاسی، به تبیین علل‌ها و عناصر تاریخی می‌پردازند. گروه دوم، تاریخ اجتماعی را هم در مرحله جمع‌آوری اطلاعات

و هم در سبک تحلیل و تبیین تاریخی، از تاریخ سیاسی متمایز می‌کنند. اینها با تاریخ‌نگاری‌های جدیدتری چون تاریخ فرهنگی و انسان‌شناسی، قوم‌شناسی، جغرافیای فرهنگی، جمعیت‌شناسی و غیره که سهم تاریخ فرهنگی بسیار متمایز است (Tilly, Ibid: 669)، در پی آن هستند تا با مطالعه زندگی روزانه مردم که بخش اعظم مطالعات را در بر دارد، به تدوین این نوع تاریخ‌نگاری بپردازند. در نزد این گروه، زندگی روزانه بارزترین جلوه گاه ظهور و بروز خواست‌ها، سلیقه‌ها، انگیزه‌ها، کنش‌ها و رفتار مردمان عادی است که تاریخ بدست آنها شکل می‌گیرد (موسی‌پور، همان: ۱۴۸).

اما گروه سوم با دیدگاه جامع‌تری سعی بر پیوند محتوای اصلی تاریخ اجتماعی و تاریخ فرهنگی و سیاسی دارند. این گروه در پی آن است تا با تمرکز بر عناصری از تاریخ سیاسی، این عناصر را در تاریخ اجتماعی جذب کند. در این رویکرد، سه حوزه برای تاریخ اجتماعی شکل گرفته است. حوزه اول به بررسی روابط مردم با مردم که شامل زندگی روزانه مردم در دوره تاریخی مورد نظر است می‌پردازد. همچنین در این بخش به صنایع و مشاغل و اصناف نحوه کار و زندگی مردم در جامعه پرداخته می‌شود. حوزه دوم به رابطه مردم با دولت و حکومت که شامل سازمان‌ها و تشکیلات اداری و مالی و نظام‌های قضایی و حربه و نظائر آن است. حوزه سوم که روابط مردم با زیست جهان است، به دو بخش تقسیم می‌شود. بخش اول شامل رابطه مردم با زیست جهان مادی چون شیوه و سبک زندگی، نظام شهرنشینی، تقسیم گروه‌ها و طبقات جامعه، و پیشه‌ها، گروه‌های خاص و عام، و معماری است. بخش دوم دربردارنده رابطه مردم با زیست جهان غیر مادی که آیین‌ها و باورها و فرهنگ و آموزش و پرورش و انتقال علوم و معارف و نظائر آن است (همان، ۱۴۹؛ همچنین نک: برومند، ۱۳۹۳: ۳).



نمودار شماره ۱. موضوعات و اهداف مقاله در بررسی معماری دوره ایلخانی. منبع: نگارنده

با این حال، باید به این نکته توجه داشت که می‌توان بر اساس ملاک‌ها و معیارهای متفاوت، و بر اساس پژوهش تاریخی دوره مورد نظر، مقوله‌بندی‌های مختلفی را برای مطالعه به روش تاریخ اجتماعی پیشنهاد کرد. در این مقاله با انتخاب مولفه‌ها و دغدغه‌هایی از رویکرد سوم در تاریخ اجتماعی که هم مقوله اجتماعی و هم سیاسی را در کنار یکدیگر مورد تحلیل قرار می‌دهد، به بخش کوچکی از ساختارهای معماری دوره ایلخانی پرداخته خواهد شد. این حوزه‌ها که از ارکان مهم در زنجیره ساخت‌وساز آثار معماری به شمار می‌روند، می‌توانند مقدمه‌ای برای بسترسازی نوعی تاریخ اجتماعی در معماری ایران شود. این مباحث عبارت از دسته‌بندی و جایگاه اجتماعی اصناف و پیشه‌ها به ویژه صنف معماران، جایگاه اجتماعی معمار و گروه معماران، نظارت و بازرسی بر اصناف و معماری و شهرسازی توسط ارکان حکومتی به ویژه محتسب، و گروه‌های حامی و بانی و کارگزار. این مباحث قصد دارند تا با معرفی جریان‌ها و گروه‌ها و نهادهای اجتماعی در سیاق

اجتماعی و فرهنگی این دوران، به بررسی نقش و عملکرد آنها در شکل‌گیری آثار معماری پردازند (نمودار شماره ۱).

۸. طبقه‌بندی جامعه و اصناف (جایگاه صنف معماران و مهندسان)

تحلیل جایگاه و شأن اصناف به ویژه صنف معماران و مهندسان می‌تواند در بررسی میزان اختیارات و منزلت ایشان در جامعه کمک شایانی به محققان بنماید. این عمل از این رو حائز اهمیت است که آگاهی از شأن و نقش معمار در مسیر و ساخت آثار معماری، می‌تواند تاریخ‌نگاری متفاوتی را برای معماری اسلامی ایران به همراه داشته باشد. در کنار این مورد، نباید از نقش و قدرت بانی و حامی، و ناظرانی که در نظارت و بازرسی این صنف دخالت داشتند، غافل شد. به گواه متون این دوران، معماران و مهندسان در طبقه‌بندی اصناف، از گروه‌های متوسط اجتماعی محسوب می‌شدند؛ اما معماران محدود به این مرتبه و جایگاه نبودند و در این دوران، معمارانی دیگر با مراتب متفاوت اجتماعی حضور داشتند. بنابراین بسته به جایگاه معمار و با توجه به شرایط، نقش و تاثیر وی در ساخت آثار معماری متفاوت بوده است. جهت تعیین جایگاه اجتماعی اصناف و به ویژه معماران و مهندسان در دوره ایلخانی، سه منبع قابل اعتنا است (جدول ش ۱).

این سه منبع عبارت از: اخلاق ناصری نوشته طوسی، دستورالکاتب فی تعیین المراتب نوشته هندوشاه نخبجوانی منشی دوران پایانی حکومت ابوسعید، و در آخر، نقایس الفنون نوشته شمس‌الدین آملی. استخراج گروه‌های اجتماعی و اصناف از این متون، و بررسی روابط گروه‌های مذکور با یکدیگر، می‌تواند بنیان مطالعات خوبی در باب ساختار و لایه‌های جامعه ایلخانی که به چه نحوی با یکدیگر ارتباط داشتند را ایجاد کند.

کتاب «دستورالکاتب فی تعیین المراتب» نوشته هندوشاه نخبجوانی، یکی از منابع ارزشمندی است که در شناخت تاریخ فرهنگی و اجتماعی ایلخانان و اصناف و پیشه‌وران این دوره قابل اعتنا است. می‌توان با اساس قرار دادن این کتاب و استخراج گروه‌های اجتماعی به خصوص جایگاه معماران و مهندسان، و دیگر اصنافی که در رده‌های پایین‌تر و بالاتر از این پیشه قرار داشتند، و با بررسی روابط آنها با یکدیگر در این دوره، گام موثری در شناخت میزان تاثیرگذاری این پیشه‌ها و سایر عوامل دخیل در ارتباط با آنها برداشت. در این کتاب، هندوشاه کاتب و منشی دوران پایانی حکومت ابوسعید ایلخانی به تعیین مراتب و القاب و ادعیه دوران ایلخانی می‌پردازد. کتاب از دو بخش تشکیل شده است. قسم

(قسمت) اول به مکاتبات و نامه‌نگاری و تعیین مرتبه و القاب جامعه می‌پردازد و در قسم دوم به حکم‌های دیوانی و شرعی و نظامی پرداخته می‌شود. قسم اول به چهار مرتبه تقسیم شده است (نخجوانی، ۱۳۵۵: ۱۲۴/۱؛ فرخی، ۱۳۸۶: ۳۵۹).

در مرتبه اول به طبقه‌بندی جامعه با تقسیم آن به سه گروه پرداخته شده است. در مرتبه اول سلاطین و خانواده او و شاهزادگان قرار دارند. مرتبه دوم شامل صاحبان قدرت و بزرگان کشوری و لشکری و شیوخ بود. مرتبه سوم به «الناس» یا گروه‌های فاقد قدرت سیاسی اختصاص دارد (نخجوانی، همان: ۳۹؛ فروغ‌بخش فسائی، ۱۳۸۰: ۴۷). این دسته با اینکه جزو مردم و خارج از طبقه حاکم محسوب می‌شدند، اما با وجود این، در دسته برجستگان و واسطه‌های پیوند قدرت سلطان در بین عموم مردم قرار داشتند. این گروه خود به دو صنف تقسیم می‌شد؛ صنف اشراف و اواسط. صنف اشراف به «۳۸» گروه تقسیم می‌شد که در رأس آنها علما و در پایان، صدور و اعیان قرار داشتند. صنف معماران و مهندسان در رده «۳۷» این گروه و طبقه قرار گرفته است (نخجوانی، همان؛ فسائی، همان؛ فرخی، همان). متون و منابع دیگری هم که به معرفی و طبقه‌بندی اصناف می‌پردازند، همگی در باب تقسیم‌بندی مشاغل و حرف، با شباهت بسیاری، همین طبقه‌بندی را گزارش داده‌اند. «اخلاق ناصری» پیشه‌ها را به سه گروه شریف (شرافتمندانه) و متوسط و خسیس (پست و بی‌ارزش) تقسیم می‌کند (طوسی، ۱۳۸۰: ۶۹). طبقه یا مرتبه متوسط، مشاغلی را در بردارد که برخی ضروری و برخی غیرضروری است. معماران و مهندسان و سایر اصناف در این مرتبه قرار داشتند.

مرتبه	شرح	منبع
شرافتمدانه	حرفه‌هایی که مربوط به جان و روح آدمی است که حرفه آزادگان نیز نامیده می‌شود، و خود به دو دسته تقسیم می‌شود: اول به عقل و اندیشه مربوط است، مانند حرفه وزیران. و دوم به فضل و ادب، مانند نویسندگی، نجوم، علم هندسه.	اخلاق ناصری (طبقه‌بندی اصناف)
حرفه‌های متوسط	انواع کسب و کارهایی است که برخی ضروری، چون زراعت و کشاورزی، و برخی غیر ضروری، مثل زرگری، و برخی ساده، مثل نجاری و آهنگری و برخی پیچیده، چون ترازوسازی و یا چاقوسازی. معماران در این دسته از اصناف قرار دارند.	
حرفه‌های پست و بی‌ارزش	بر سه قسم است: مشاغلی که منافی با مصلحت عمومی است، چون احتکار که حرفه مفسدان است. دوم آنچه منافی با فضیلت است، مانند دلقک‌بازی و قماربازی که حرفه احمقان است. سوم آنچه موجب تفر و انزجار طبع است، مانند حجامت و	

	دباغی که حرفه فرومایگان است.
دستورالکاتب (طبقه‌بندی جامعه ایلخانی)	مرتب اول نخجوانی در کتاب خویش به سه بخش متمایز از جامعه می‌پردازد. مرتبه اول شامل سلاطین و خانوداده او یعنی خواتین و شاهزادگان بود.
	مرتب دوم در مرتبه دوم به صاحبان قدرت و بزرگان کشوری و لشکری و غیره پرداخته می‌شد. در این مرتبه حضور گروه‌هایی چون نقیب‌النقبا و مشایخ‌النقبا قابل توجه است، و قابل ذکر است که این گروه جزوه کارمندان دولت محسوب نمی‌شدند و هیچ خدماتی مستقیم به دولت ارائه نمی‌دادند.
	مرتب سوم مرتب سوم به الناس یا گروه‌های فاقد سیاسی اختصاص داشت. این گروه خارج از طبقه حاکم محسوب می‌شدند، اما در عین حال در دسته برجستگان و واسطه‌های پیوند قدرت در بین عموم مردم قرار دارند. اصناف و معماران و مهندسان در این مرتبه جای داشتند.
نفایس‌الفنون (طبقه‌بندی اصناف)	آملی درباره این صنعت می‌نویسد: «همچو صنعتی بود که از خیر نفس باشد نه از خیر بدن، و آن را صنعت احرار و ارباب مروت خوانند». این صنعت سه صفت دارد: اول اینکه «به جوهر عقل تعلق» دارد، یعنی تدبیر و مشورت از ارکان اصلی آن محسوب می‌شود و شامل امور کاری است، مانند وزارت. دوم آنکه «به ادب و فضل تعلق» دارد مانند پیشه‌های کتابت و نجوم و مساحت. و آخر اینکه «به قوت و شجاعت» تعلق دارد مانند اداره لشکر و سوارکاری در میدان جنگ.
	صنعت متوسط این صنعت دارای دو حرف ضروری و غیر ضروری است. ضروری مانند: زراعت و کشاورزی و بعضی صنایع دیگر چون درودگری و نجاری و پیشه‌های بنایی و معماری. و بعضی غیر ضروری مانند صباغت.
	این صنعت هم سه نوع است. اول آنکه «منافی مصلحت عموم خلق بود» یعنی کارهای چون احتکار و جادو، و این صنعت مفسدان است. دوم آنکه «منافی فضیلتی از فضایل بود» مانند مطربی و مقامری و این صنعت سفها است، و سوم آنکه «مقتضی نفرت طبع بود» مثل حجامت و دباغت و کناست و مانند آن، که اینها صنعت فرومایگان است.

جدول شماره ۱. طبقه‌بندی جامعه و اصناف در منابع دوره ایلخانی^۴. منبع: نگارنده

«نفایس‌الفنون» طبقه‌بندی اصناف را به مانند کتاب اخلاق ناصری انجام داده است. (آملی، ۱۳۸۱: ج ۲/۳۹۸). بنابراین در این دوره، معماران و اکثر اصناف در طبقه متوسط جامعه قرار داشتند. حتی در منابع دوران قبل و بعد از ایلخانی می‌توان چنین تقسیم‌بندی را دید.^۵ این مقام معمار در جامعه این دوره می‌تواند گویای میزان نقش و تاثیر وی در آثار

معماری باشد. اما باید این نکته را در اینجا اضافه کرد که مطابق کتاب نخجوانی، جامعه و گروه‌های اجتماعی این دوره چون معماران و مهندسان و سایر پیشه‌ها می‌توانستند بر اساس آمیزه‌ای از منزلت معنوی و نزدیکی و ارتباط با گروه‌های سیاسی، و یا ارتباط با سلطان و صاحبان قدرت، از اهمیت و توجه بیشتری برخوردار شوند و به مرتبه‌ای بالاتر دست پیدا کنند (فرخی، همان: ۳۵۸). معمارانی که در این دسته‌بندی در جایگاه متوسط جامعه قرار داشتند، بیشتر به نام معماران صنف شهری شناخته می‌شدند. با این حال، گروه‌هایی دیگر از معماران در این دوران فعالیت داشتند که در جایگاه و مرتبتی متفاوت و به تبع دارای نقش و اختیارات متمایزی بودند که در مبحث بعدی به آن پرداخته خواهد شد.

۹. جایگاه اجتماعی معماران (مهندسان)

معماران صنفی که در مبحث قبلی از آنها صحبت شد، به معمارانی اشاره دارد که در صنف شهری وابسته به پیشه خویش عضویت داشتند. این گروه باید قوانین شهرداری یا قوانین نهاده شده توسط امیر عسس یا محتسب شهر (که خود آنها توسط حاکم تعیین می‌شدند) را در کارهای اجرایی خویش رعایت می‌کردند (ابن‌اخوه، ۱۳۶۰: ۲۲۹؛ همچنین نک: نخجوانی، همان: ۸/۲-۱۵۷). جدا از این گروه، در این دوران می‌توان بر اساس متون، از سه گروه دیگر معماران که پایه و مرتبه متفاوت اجتماعی داشتند، صحبت کرد. در برخی متون، صحبت از معمار یا معمارانی شده است که در دربار و دیوان ویژه‌ای به نام دیوان «خاصه»، جهت اجرای امور و ساخت بناهای متعلق به حکومت خدمت می‌کردند (وصاف، ۱۳۸۳: ۱۵۲، ۱۹۴؛ رشیدالدین، ۱۳۵۸: ۲۰۶؛ نخجوانی، همان: ۵۴۲/۱). این گروه از معماران به دلیل خدمت مستقیم به سلطان و دربار، در نسبت با سایر معماران این دوره، آزادی عمل بیشتری در کار خویش داشتند. هندوشاه نخجوانی در کتاب خود «دستورالکاتب»، از معماری با نام «ملک‌المهندسین پیرحسین» و با عناوینی چون «معماری مهندس و ملک‌المهندسین و سیدمهندسین» از وی یاد می‌کند (نخجوانی، همان: ۵۴۴/۱). وی معمار مخصوص دربار و دیوان عمارت خاصه بود که این دیوان، مامور اجرای ساختمان‌هایی بود که مستقیماً به دستور حاکم و تحت نظارت وی و با هزینه شخصی خودش اجرا می‌شد.^۶ گروه سوم، معماران و مهندسان مهاجر را شامل می‌شد که از شهری به شهر دیگر و معمولاً به صورت اجباری نقل مکان می‌کردند (وصاف، همان: ۹، ۲۰، ۲۱۰، ۲۸۰؛ همچنین در باب نقل و انتقال کارگران و غلامان در امور ساختمانی و باغبان در امور باغ‌سازی نک:

رشیدالدین، ۱۳۲۴: ۵۲؛ وقف‌نامه رشیدالدین، ۱۳۵۶). این گروه از مهاجران در اکثر اوقات، صرفاً در پیشه و حرفه خود مشغول بکار نمی‌شدند، و در مواقعی باید به یادگیری پیشه دیگری اقدام می‌کردند (پویای ایرانی، ۱۳۸۶). چنانچه بسیاری از این گروه به صورت غلام‌زاده یا برده‌ای در می‌آمدند که باید در صنعت پدران خویش و یا صنعتی که مورد نظر صاحبان آنها بود، مشغول بکار می‌شدند. عون‌الهی در کتاب خویش با نام تاریخ پانصد ساله تبریز، در باب این گروه از صنعتگران مهاجر می‌نویسد:

«رشیدالدین وصیت کرده بود که به غلام‌زادگان، معماری، زرگری، مقنی‌گری، باغبانی، نقاشی، خطاطی و ... بیاموزند. غلام‌زاده تا حد امکان می‌بایست به پیشه پدر مشغول می‌شد. رشیدالدین در مسئله یاد دادن پیشه به غلام‌زادگان اصلاً به سرنوشت آنها علاقه‌مند نبود، برعکس او در پی آن بود که تعداد غلامان صنعتگر افزایش یافته و درآمدش از کار آنان افزون گردد. وضعیت غلامان صنعتگر از وضعیت صنعتگران آزاد بدتر بود. آنان در تبریز و ربع رشیدی به صورت روزمزد کار می‌کردند» (عون‌الهی، ۱۳۸۸: ۱۰۵).

اما در عین حال بسیاری از مهاجرانی هم که به سایر شهرها منتقل می‌شدند، در همان پیشه مرتبط به خویش به کار مشغول می‌شدند. گروه چهارم از معماران که در اینجا با عنوان «سایر» از آنها اسم برده می‌شود، به کسانی اشاره دارد که معماری پیشه اصلی آنها محسوب نمی‌شد. اینها اغلب کسانی بودند که در علوم دینی و یا قرآنی و یا نجوم اشتغال داشتند، و به دلیل بلندپایگی شخصیت و معرفت دینی، ساخت‌وسازهایی را گاه به درخواست بانی و یا شخصی حامی انجام می‌دادند.

معمار	جایگاه و اختیارات
دربار (خاصه)	برخی از معماران یا مهندسان که در متون این دوره از آنها گزارش آمده، در خدمت دربار و یا دیوان خاصی بودند که وابسته به حکومت و زیر نظر سلطان بود. این گروه از معماران موظف به برپایی ساختمان‌هایی بودند که به دستور شخصی حکومتی انجام می‌گرفت. ^۷
سایر	بسیاری از هنرمندان و صنعتگران از شهری به شهر دیگر انتقال داده می‌شدند، اما برخی از ایشان که به عمل معماری و بنایی مشغول بودند، معماری تخصص و پیشه آنها محسوب نمی‌شد بلکه غلام‌زاده‌ها و یا کارگران اجباری محسوب می‌شدند که باید در یک حرفه و یا صنعت خاص مشغول به کار می‌شدند. ^۸
	اما گروهی دیگر از صنعتگران مهاجر در همان تخصص و پیشه‌ای که حرفه آنها بود، به کار مشغول می‌شدند.

شهری منظور از معماران آزاد، گروهی از معماران است که در شهر خود ساکن بودند و جزو صنف معماران محسوب می‌شدند، و در ساخت‌وساز و برپایی بناها مجبور به اجرای فرامین و قوانین این صنف و شخص ناظر بر آنها یعنی محتسب بودند.^۹ (صنف شهری)

سایر در برخی از متون صحبت از معمارانی است که حرفه معماری ایشان به نحوی پیشه دوم آنها محسوب می‌شود. برخی از اینها در سایر علوم چون علوم قرآنی، نجوم، قضاوت و ... بودند که در مواردی به درخواست سازنده یک بنا، به دلیل اعتماد و یا بلندپایگی در معرفت و حکمت به ساخت و اجرای بنایی مشغول می‌شدند.^{۱۰}

جدول شماره ۲. گروه‌های معماران (مهندسان) در دوره ایلخانی به روایت متون. منبع: نگارنده

در کتاب «تاریخ یزد» نوشته محمد جعفری نام برخی از این اشخاص ذکر شده است؛ یکی از ایشان، «قاضی امام‌الدین معمار» بود که جعفری او را معمار مدرسه حافظیه اهرستان یزد معرفی می‌کند (جعفری، ۱۳۸۴: ۱۲۱؛ کاتب یزدی، ۱۳۵۷: ۱۳۳). از وی به عنوان شخصی سخت‌کوش در امور علوم دینی یاد می‌شود که جهت یادگیری این علوم به نزد «تقی‌الدین دادا» که از شیوخ و سادات روزگار بود رفت و آمد داشت. در واقع وی یکی از معروف‌ترین درویشان و اهل ذکر روزگار خویش بود. جعفری در شرح احوال وی می‌نویسد:

مولانا اعظم سعید امام‌الدین علی قاضی ندوشنی گفت، در آن حال که تحصیل علوم دینی می‌کردم مرا هیچ گشادی نمی‌شد. نزد (شیخ الاسلام اعظم سعید تقی‌الدین دادا محمد) رفتم. سه تا نان به من داد و گفت بخور. آن سه تا نان بخوردم. علوم دینی بر من منکشف شد و کتاب حاوی را که مشکل‌ترین کتب فقه است به قرب شانزده روز بخواندم. مرا گفت به نصرآباد برو که شیخ داود در آن جاست تا تو را نظری کند و در راه قلندران بینی و از ایشان همت بخواه (جعفری، همان: ۱۴۰).

بنابراین با توجه به جایگاه و شأن معمار، میزان دخالت و نظارت وی در مسیر یک اثر معماری متفاوت بوده است.^{۱۱} باید به این نکته توجه داشت که نمی‌توان درباره فرآیند آثار معماری از تحمیل خواست و نقش هنرمند و یا خواست و تاثیر اربابان و حامیان به صورت یک‌طرفه و کلی صحبت کرد. از این رو، باید با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی و سیاسی هر دوره، رویدادها و جریان‌های مختلف شناسایی شود تا مشخص شود اثر هنری زاده چه علت‌ها و عامل‌هایی بوده است (قیومی، ۱۳۸۷: ۶).

۱۰. ناظران و بازرسان اصناف معماران و مهندسان: محتسب^{۱۲}

یکی از مهمترین اشخاص تاثیرگذار بر کار معمار و صنف معماران و ساخت‌وسازهای شهر در این دوران، نماینده حاکم یا امیر شهر، یعنی محتسب بود. محتسب به دلیل دامنه وظایف به نسبت گسترده‌ای که داشت، از چند جهت، تاثیر وی بر معماری و ساخت و سازهای داخل شهر قابل بررسی است. «حسبت» در اصل از لزوم اجرای یکی و طیفه دینی ناشی می‌شد (ابن‌اخوه، همان: ۹؛ خان‌محمدی، ۱۳۸۵: ۸۸)؛ اما محتسب تنها عامل دخالت‌کننده در امور پیشه‌ها نبود. در کنار وی شخصیت‌های دیگری چون «حاکم یا رئیس شهر»، «امیر عسس» و «عریف» حضور داشتند که البته به فراخور دوره زمانی و قانون‌های سیاسی و حکومتی، حضور و نقش هر یکی از این عوامل تغییر و تحولی را به همراه داشت. (جدول شماره ۳). امور حقوقی و قضایی در شهرهای ایران همانند دیگر قلمروهای اسلامی ترکیبی از شرع و عرف بود (رضوی، ۱۳۸۹: ۴۶). جایگاه و نقش محتسب را نمی‌توان در اداره شهر به طور دقیق بیان کرد؛ با این حال مسئولیت وی را می‌توان در دو بُعد بررسی کرد. بعد دینی که بر اعمال شرعی و حکومتی نظارت داشت، و یک بُعد عرفی که مسئولیت اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی و امنیتی داشت^{۱۳} (ابن‌اخوه، همان: ۹).

منبع	مقام / ناظر	وظایف
ابن‌الکثیر، ۱۰۱۱: ۱۰۱	حاکم شهر	امور اقتصادی و کارهای اجرایی اصناف و پیشه‌های مختلف توسط وی کنترل و نظارت می‌شد، و مالیات‌گیری از اصناف توسط حاکم شهر و عاملان وی صورت می‌گرفت.
ابن‌الکثیر، ۱۰۱۱: ۱۰۱	امیر عسس	از دیگر اشخاص ناظر بر اصناف و همچنین بر بازارهای شهر، «امیر عسس» بود. وظیفه وی برقراری نظم و امنیت در بازار بود.
ابن‌الکثیر، ۱۰۱۱: ۱۰۱		در دو بُعد می‌توان برای محتسب وظایفی تعریف کرد. یک بعد به صورت وظایف دینی و شرعی بود که اصطلاحاً همان «امر به معروف و نهی از منکر» بود. و دیگر بعد وظیفه وی، جنبه اقتصادی و اجتماعی به ویژه در امور اصناف و پیشه‌وران و بازارها بود.
ابن‌الکثیر، ۱۰۱۱: ۱۰۱	محتسب	در باب نظارت بر صنف معماران و مهندسان، وی در سه مرحله (مقطع) بر کار آنها نظارت داشت. مرحله یا مرتبه اول، نظارت بر خود صنف و کارهای داخلی صنف چون پرداخت دستمزدها و ... بود. مرحله دوم در هنگام ساخت‌وسازهای صورت گرفته توسط معماران و مهندسان و بنایان و دیگر پیشه‌های مرتبط با آنها بود. در این

مرحله بر کیفیت مصالح، پوشش و نحوه اجرای طرح‌ها (که نباید مغایرت با حریم‌ها و دسترسی‌ها بود) نظارت داشت. بعد از اتمام ساختمان‌ها و بناها، چنانچه محتسب به «اجتهاد عرفی» خود تشخیص می‌داد که یک بنا و ساختمان در مغایرت با دسترسی سطوح شهری است و یا روزه‌های و پنجره‌های آن تداخلی در حریمت برای همسایگان ایجاد کرده، می‌توانست دستور به اصلاح آن بدهد.

جهت نظارت دقیق‌تر بر رفتار و اعمال و کارهای پیشه‌وران، و اداره برخی امور آنها، عریف شخصی با عنوان عریف که به عنوان دستیار محتسب محسوب می‌شد از میان افراد هر حرفه که آگاه به اسرار آن حرفه یا صنعت بود انتخاب می‌شد. در واقع عریف، محتسب را از اخبار و اوضاع اصناف آگاه می‌کرد تا خطا و اشتباهی در کار ایشان صورت نگیرد.

جدول شماره ۳. اشخاص حکومتی که ناظر بر اصناف و پیشه‌ها بودند. منبع: نگارنده

بعد دینی و بعد اجتماعی و اقتصادی که هم نظارت بر اصناف معماران و دیگر اصناف را در بر داشت و هم نظارت بر شهر و بازار، سبب می‌شد تا محتسب و نظارت وی در باب اجرای قوانین به نحوی نسبتاً گسترده بر سیمای بناهای عمومی شهر و کار معماران و سایر پیشه‌های مرتبط با این صنف تأثیر بگذارد. محتسب که مامور و نماینده و ناظر حکومتی در نظارت بر اصناف و پیشه‌ها و بازار، و همچنین ناظر در امور اجرای قوانین مدنی شهر بود، یکی از عوامل تأثیرگذار در برپایی عمارات و بناها محسوب می‌شد. نقش محتسب در اداره شهر هم تا حد زیادی در ارتباط با عملکرد اصناف و اهالی بازار قابل تعریف بود. (نک به جدول شماره ۴).

در ساخت‌وسازهای شهر و معماری می‌توان از شش وظیفه اصلی محتسب که باید برحسب قانون شرعی و عرفی، آنها را اجرا می‌کرد سخن گفت. ۱. نظارت بر اصناف، ۲. دسترسی‌های معابر و مسیرهای شهری، ۳. حریم‌ها، ۴. نظارت بر ساخت‌وساز بناهای متعلق به اقلیت‌ها، ۵. مراقبت و حفاظت و گزارش از وضعیت بناهای عام المنفعه و مساجد و ... ۶. نظارت بر نظافت و پاکیزگی معابر و بازارها (باستانی‌پاریزی، ۱۳۴۷: ۱۷۱-۷۳؛ اشرف، ۱۳۵۳: ۳۳-۳۸؛ خان محمدی، همان: ۹۱-۹۳؛ همچنین در باب نظارت بر مهندسان و صنعتگران نک: رشیدالدین، همان: ۲۰۲). محتسب بر حسب قانون عرفی که به وی اجازه اجتهاد در امور جزئی را می‌داد، می‌توانست بر ساخت‌وسازها و حریم‌ها و تعیین روزه‌های خانه‌ها و بازارها، درخت‌کاری در معابر و یا نشستگاه‌ها در بازار، و نحوه ارتباط خانه‌ها با کوچه و امور مرتبط با این جزییات دخالت کند (ابن‌اخوه، همان: ۱۵-۲۸؛ سری، ۱۳۷۸:

۱۶۴). در جایگاه نظارت بر اصناف معماران و کار معمار، می‌توان چند جنبه مهم را در این باب بر حسب اشارات متون این دوران نشان داد. انتخاب و تعیین وظایف رئیس یا نماینده صنف معماران و مهندسان، بررسی کیفیت مصالح، تعهد اخلاقی و دینی در امور کاری و در نهایت منع تصویرنگاری جانداران در بناها به عنوان تزیین ساختمان.

اصناف در نحوه پیدایش و فعالیت‌های خود با اهداف حکومتی و ساختار اجرایی در پیوند بودند. ناظران و روسای اصناف از طریق مناصب حکومتی تعیین می‌شدند و به عنوان جزئی از اجزای حکومت‌ها و به منظور اداره آسان‌تر شهر در خدمت طبقه حاکمه بودند (سری، همان: ۱۶۲؛ خلیلی تیرتاش، همان: ۵۴).

وظایف	شرح وظایف محتسب بر صنف: معماران و بنایان و گچ‌کاران
انتصاب کارفرما نظارت بر صنف و شرایط کار	شرایط و ساختار صنف و تشکیلات آن توسط محتسب باید نظارت و گزارش آن به حاکم شهر داده شود. محتسب وظیفه دارد که مردی امین و آشنا به کار هر یک از اصناف برگمارد. همچنین نظارت بر ساعات ورود و خروج کارگران و معماران و بنایان و نجاران در کارهای ساختمانی، باید توسط محتسب صورت بگیرد تا کارها به نحوه احسن اجرا شود. (برای نظارت بر کار معماران و گماشتن ناظران بر ایشان نک: وصاف، ۱۳۳۸: ۴/۷۷؛ همچنین: ابن‌اخوه، ۱۳۶۰؛ نخجوانی، ۱۳۵۵؛ رضوی، ۱۳۸۹)
نظارت بر خرید و فروش مصالح و کیفیت آنها	بکارگیری مواد مرغوب و کیفیت‌دار - امانت در مصالح و وسایل کاری (رشیدالدین، ۱۳۵۷). نظارت بر بنایی و ساخت‌وساز بنا در نقاط مختلف شهر که توسط صنف شهری اصناف صورت می‌گرفت. ناظر بودن بر سفیدکاران، گچ‌کاران، بنایان، چوب‌بران که با معمار و صنف معماری در ساختمانها با یکدیگر همکاری می‌کنند از وظایف محتسب و دستیار وی عریف بود. (خلیلی تیرتاشی، ۱۳۸۴؛ خان‌محمدی، ۱۳۸۵)
تذکر بر صداقت	محتسب باید از هر یک از افراد و اشخاص صنف معماری و ساختمانی تعهد و یا سوگند بگیرد که در هنگام کار با یکدیگر یا کار برای مشتری از وی رشوه نگیرند و در بکارگیری مصالح آنها را با بهترین وجه و کیفیت بکار ببرند تا به کارفرما ضرر نزنند. در تاریخ مبارک غازانی آمده است که: بر وجهی فرمود که بهتر از آن ممکن نیست هرکجا خواجه معتمد مستظهر صاحب‌ناموس هست برگزیده بر سر هر عمارتی نصب گردانیده و وجوه به تحویل او کرده و خواجهگان معتبر و نویسندگان درست‌قلم و معماران مهندس را نصب فرموده و تمام آلات را به صرفه تمام قیمت و اجرت بکار بردن آن مقدر آلات معین گردانیده تا اگر اجرا تقصیر نمایند نقصان و زیان به ایشان عائد گردد.

جدول شماره ۴. وظایف و اختیارات محتسب در نظارت بر صنف معماری و ساختمانی. منبع: نگارنده

هر صنف می‌توانست از طریق سه منصب محتسب، حاکم یا رئیس شهر و امیر عسس با دستگاه حکومتی ارتباط برقرار کند. از این رو، معماران و مهندسان در مسیر کار خود و برپایی ساختمان‌ها، تحت نظارت شخصی ناظر از سوی حکومت قرار می‌گرفتند (نک به جدول شماره ۵). (همچنین نک: ابن‌اخوه، همان: ۳۹، ۴۰، ۴۲، ۶۱، ۶۲).

ردیف	وظایف	شرح وظایف و اختیارات
۱	نظارت صنف	نظارت بر اصناف معماران و عملکرد آنها در حین فرایند ساخت‌وساز.
۲	حریم	نظارت بر مسیرهای تردد در خیابان‌ها و بازارهای شهر تا مشاغل و ساختمان‌ها باعث محدودیت و مانع دسترسی‌ها نشوند. مانند: نظارت بر مسیرهای درخت‌کاری در راه و یا دکه‌های بزرگ و سکوها تا سبب تنگی راه‌ها و مشکلات در عبور و مرور مردم نشود.
۳	نظارت بر دسترسی و معابر شهری	یکی از مهمترین اصول ساختمان‌سازی و شهری به ویژه برای بازار، رعایت قواعد مجاورت حرف و صنایع در کنار یکدیگر است. باید ضمن حفظ «اصل همجواری» دکان‌ها در بازار و یا ساختمان‌ها در نقاط مختلف شهر، این همجواری به گونه‌ای باشد که باعث آسیب رساندن به یکدیگر و به مردم و عابران نشود. بیرون‌زدگی ساختمان‌ها، تعبیه روزنه و پنجره، نصب دکه و یا ایجاد حوض و منابع آبی، نباید باعث ایجاد مزاحمت برای عبور و مرور مردم بکنند و متحسب اجازه دارد در تعیین این موارد بر حسب عرف و شرع دخالت کند.
۴	تذکر بر رعایت نظافت	نه تنها نظارت بر نظافت راه‌ها و معابر بر عهده محتسب بود، بلکه نظارت بر حمام‌های عمومی شهر که در ارتباط با بهداشت و سلامت اهل شهر بودند، محتسب وظیفه داشت روزی چند نوبت به آنها سرکشی کند. همچنین ناودانی‌های خانه‌ها و ساختمان‌ها باید طوری قرار می‌گرفتند که باعث ایجاد نجاست برای عابران نشود. همچنین در بازار، وی بازاریان را به جارو و بهداشت فرمان می‌داد.
۵	نظارت بر ساخت‌وساز اقلیت‌ها	۱. نظارت بر ساخت و ساز ساختمان‌های بناهای مذهبی و غیر مذهبی اقلیت‌ها و چگونگی هم‌جواری، و همچنین ارتباط با بافت شهری مناطق مسلمانان نشین از دیگر وظایف خطیر محتسب به شمار می‌آمد. ۲. محتسب باید در باب خانه‌سازی و ساختمان‌سازی آگاه باشد که هیچ کدام از اقلیت‌ها حق برتری‌جویی را نسبت به مسلمانان نداشته باشند. درباره روزنه یا پنجره داشتن خانه‌های ایشان و دید به مناطق مسلمان‌نشین، فقها اختلاف نظر داشتند. عده‌ای آن را مجاز می‌دانستند و عده‌ای آن را خلاف می‌شمردند.
۶	حفظ و مرمت	مراقبت بر کورشدن قنات شهر و ویرانی باروی آن و ویرانی مسجدها و جامع‌ها که هم وظیفه دینی و مسئولیت شرعی محتسب و هم مردم بود.

جدول شماره ۵. وظایف و اختیارات محتسب در نظارت بر ارکان معماری و شهر در دوره ایلخانی. منبع: نگارنده

۱.۱. بانیان و حامیان

دوره ایلخانی را می‌توان جزو یکی از درخشان‌ترین دوران تاریخ اسلامی ایران در ظهور بانیان، حامیان و کارگزاران عرصه معماری دانست (یوسفی، ۱۳۴۸: ۴۰۰-۴۰۲؛ همچنین نک: بلر، الگوهای هنرپروری و آفرینش هنری در ایران دوره ایلخانیان: ۱۳۸۷). نه تنها اشخاص خاص و عام، بلکه وجود دیوان‌هایی جهت امور معماری و نظارت و توسعه عمران و آبادی در این دوران قابل تامل است (نخجوانی، همان: ۲۳/۲). حامیان و بانیان این دوران امکان داشت که از هر رده و مرتبه‌ای باشند. خاندان‌ها و سلسله‌های حکومتی و متعلقان وابسته به آنها (رشیدالدین، ۱۳۵۸؛ کاشانی، ۱۳۸۴: ۴۶، ۹۳، ۱۱۶؛ نخجوانی، همان؛ ویلبر، ۱۳۶۵: ۲۰-۲۳) طبقات یا اشراف اداری، طبقات یا اشراف لشکری، سادات و شیوخ اشراف یا خاندان‌های بانفوذ محلی و حتی خادمان و وابستگان بناهای موقوفی (جعفری، همان؛ کاتب، همان: ۷۹-۱۲۰)، از طبقات اصلی بانی و حامی این دوران بودند (جدول شماره ۷). تشویق و تنبیهی که در این دوران جهت حمایت از معماری و یا کوتاهی در اجرای امور آن برای افراد در نظر گرفته می‌شد خود از حساسیت امر معماری در این دوران خبر می‌دهد (رشیدالدین، همان: ۲۰۹؛ نخجوانی، همان: ۱۵۱/۱).

هر یک از این طبقات حامی و بانی، چندین گروه مختلف اجتماعی را شامل می‌شد. متعلقان و وابستگان به دربار، مانند غلامان یا کنیزکان خاص، توانایی و شرایط آن را داشتند تا در ساخت و برپایی بناها، مشارکتی هرچند کوچک داشته باشند (همچنین برای خاندان حکومتی به عنوان بانی نک: وصاف، همان، ۳/۳۴۰، ۳۸۵؛ ۴/۴۴۵؛ ۷/۴۷۷؛ ۵/۶۲۴، ۶۳۳).

ردیف	طبقه حامیان و بانیان	شخصیت‌های حامی و بانی
۱	خاندان حکومتی و متعلقان وابسته به آنها	سه گروه یا شخصیت در این طبقه قرار داشتند: سلطان و فرزندان وی، همسر و بانوان دربار و متعلقان وابسته به آنها که گاه شامل خواجه‌سرا یا غلام و کنیزان آنها هم می‌شد.
۲	طبقات یا اشراف اداری	وزیر، داروغه، قاضی، اتابک، معلم دربار، کاتب و حسابدار دربار
۳	طبقات یا اشراف لشکری	بیشتر اشاره به سرهنگان و طبقه سپاه و نظامی است.
۴	سادات و شیوخ	افراد وابسته به خانقاه‌ها و یا رباط‌ها
۵	اشراف یا خاندان‌های بانفوذ محلی	می‌تواند شامل یک زمیندار یا کشاورز یا ناجران باشد.

۶	خادمان و وابستگان بناهای موقوفی یا مذهبی	کسانی که تولیت مکانی چون خانقاه و یا مزار را بدست داشتند. همچنین پول و هدایای نذری در این مکان‌ها به خود خانقاه یا مزار تعلق داشت.
---	--	--

جدول شماره ۶. طبقه حامیان و بانیان. منبع: نگارنده

طبقات و اشراف اداری، گستره‌ای به نسبت وسیع از اشخاص با مراتب شغلی متفاوت را در بر می‌گرفت. وزیر، داروغه شهر، معلم دربار، کاتب، حسابدار یا خزانه‌دار و حتی گاه محتسب این امکان را داشتند به لطف توانایی مالی و گاه حمایت حاکم، در ایجاد بناها مشارکت داشته باشند. یکی از جالب توجه‌ترین گروه‌های بانی که در برخی از گزارش‌ها دیده می‌شود، خادمان و اشخاصی متولی بناهای مذهبی و امامزاده‌ها (علیه‌السلام) بودند که در برخی از موارد به دلیل آنکه مراقب و نگهبان این مجموعه‌ها بودند، به نوعی مالک و مسئول اموال آنها هم محسوب می‌شدند و از این رو، خودشان به شخصه در توسعه و آبادانی و حفظ این بناها همت می‌گماشتند (جعفری، همان: ۷۹؛ یزدی، همان: ۱۴۹).

در دوره ایلخانی و زمان اصلاحات غازان خان، جدا از حمایت شخصی امرای ایلخانی از معماری، دیوان‌هایی در این دوره جهت نظارت بر معماری و آبادانی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم پی‌گیر این امور بودند، تاسیس شدند. این دیوان‌ها تا پایان دوران ایلخانی با تغییر و توسعه در شکل و مفهوم اجرایی و اداری خود همچنان پابرجا بودند. برای این دوران می‌توان از پنج دیوان مهم که در ارتباط با امور معماری و عمران تاسیس شده بود سخن گفت. (جدول شماره ۷). دیوان خاصه (وصاف، همان: ۱۵۲، ۱۹۴، ۲۱۲؛ رشیدالدین، همان: ۲۰۶؛ نخجوانی، همان: ۵۴۲/۱)، دیوان عمارت (رشیدالدین، همان: ۲۲۰، ۳۰)، دیوان خالصات، دیوان بایرات و دیوان مساس (رشیدالدین، همان: ۳۳۶؛ نخجوانی، همان: ۸۳، ۶۴/۲) که هر یک از این سازمان‌های دولتی به نحوی در بخشی از نظام معماری دخیل بودند.

منبع	وظایف دیوان‌ها	دیوان	ردیف
د. ر. م. د. م.	این دیوان به انجام امور ساختمانی می‌پرداخت و به ویژه در زمان سلطنت غازان‌خان گسترش یافت. ایجاد شیوه‌های آبیاری، راه‌های کاروان‌رو، ابواب‌البر، مدرسه، حمام و کاروانسرا، دیوارهای قلعه، خانقاه، رباط و بناهای دیگر توسط این دیوان انجام می‌شد.	عمارت	۱
مستورالکتاب	در کنار دیوان عمارت از دیوانی دیگر با نام خاصه در منابع ایلخانی صحبت شده است. این دیوان مسئول آن امور ساختمانی بود که به دستور شخص سلطان و به حساب وی صورت می‌گرفت. این دیوان معمار و مهندسان مخصوص به خود را برای اجرای ساختمان‌هایی که به دستور سلطان بود داشت.	خاصه	۲
مستورالکتاب	این دیوان در ارتباط با امور صنایع و فعالیت صنعتگران و همچنین تولیدات صنعتی بود که برای توسعه شهرها مهم بود. دیوان مساس اشاره به سازمانی دارد که صنعتگران رشته‌های گوناگون را در ارتباط با یکدیگر قرار می‌داد و مانند دیوان‌های دیگر در این دیوان، کارهای مربوط به پیشه معماری انجام می‌شد. این دیوان از سازمان‌هایی بود که در ارتباط غیر مستقیم با امور ساختمانی و معماری هم بود.	مساس	۳
د. ر. م. د. م.	این دیوان وظیفه داشت که در مورد آبادانی و زرع اراضی بایر با اشخاص قرارداد منعقد کند و این قراردادها جهت آبادی و رونق زمین انجام می‌گرفت که سبب ساخت‌وسازهای زیادی در این دوران شد. نظارت بر آبادانی و توسعه زمین‌های بایر مهمترین وظیفه این دیوان بود.	بایرات	۴

جدول شماره ۷. دیوان‌های حامی امور معماری و ساختمانی در دوره ایلخانی. منبع: نگارنده

همچنین این احتمال را می‌توان در نظر داشت که به دلیل وظایف این دیوان‌ها در امور ساختمانی و معماری، معماران و مهندسانی ویژه در خدمت به این دیوان‌ها بودند که صرفاً در این سازمان‌ها مشغول به کار می‌شدند. از این رو، بسیاری از ساخت‌وسازهای این دوران از سوی این دیوان‌ها انجام می‌شد که در توسعه و ساخت کاروانسراها، مدارس، خانقاه‌ها، حمام‌ها و سایر بناهای عمومی مشارکت داشتند؛ و نقشه‌های این بناها را به شیوه‌ای یکسان در شهرها و راه‌های تجاری و مسافرتی برپا می‌کردند. بنابراین بسیاری از طرح‌ها و اجرا و نظارت بر ساختمان‌های این دوران، مستقیماً توسط این ارکان دولتی صورت می‌گرفت. دیوان خالصات و بایرات با حمایت از آبادانی و عمران و تشویق مردم به ساخت‌وساز در زمین‌های بایر با کمک‌های مالی، به نوعی یکی از بزرگترین حامیان دولتی بود که مستقیماً با

اقتدار مردم به ویژه طبقه متوسط جامعه سروکار داشت. بنابر آنچه گفته شد باید دانست که تعداد حلقه‌های زنجیر در آثار معماری با توجه به حضور بانیان و حامیان و معماران متفاوت بود، و متاثر از شرایط و سیاق اجتماعی، نفوذ و تاثیر هر یک نیز کم‌رنگ و پررنگ بوده است.

۱۲. نتیجه‌گیری

در تاریخ اجتماعی حوزه‌های مختلف و متفاوتی مورد توجه قرار می‌گیرد. در این رویکرد، نگاه مورخ از تاریخ اراده و اعمال مردان بزرگ به تاریخ رفتارها و هنجارها و عوامل کوچک و به ظاهر بی‌اهمیتی که در سطوح مختلف یک جامعه قرار دارد، تغییر حوزه می‌دهد. این رویکرد یا نگرش می‌تواند زوایای پنهان بسیاری را در باب مسائل مورد غفلت که از ارکان اصلی در ساختار یک جامعه و برهه تاریخی است، آشکار سازد. در واقع هدف و تلاش تاریخ اجتماعی بر این است که رویدادهای تاریخی را از منظر جریان‌های اجتماعی و کل ساختارهای یک جامعه بنگرد، و نه صرفاً به اعمال و جریان‌های حکام و اربابان خلاصه شود. این رویکرد می‌تواند در تاریخ‌نگاری معماری اسلامی ایران جنبه‌های نو و تازه را در باب مسائل مهم آن، برای تاریخ‌نویسان به همراه داشته باشد. یک اثر معماری حاصل زنجیری به هم پیوسته از حلقه‌های ریز و درشتی است که بر اساس شرایط و سیاق اجتماعی دوران خود تعداد آنها تغییر می‌کند. تلاش این پژوهش ارائه‌نمایی کمتر دیده شده از سطوح، لایه‌ها و ساختارهای سازنده آثار معماری بود که نشان از پیچیدگی فرایند یک اثر و به تبع آن، وجود پیچیدگی تاریخ‌نویسی برای یک برهه تاریخی است. بنابراین در پدید آمدن آثار باید میزان مداخله عوامل گوناگون را با توجه به جایگاه مولفه‌های آن در بستر فرهنگی و اجتماعی در نظر گرفت تا بتوان تصویر نزدیکتری از یک دوره تاریخی را نمایش داد.

در این مقاله سعی شد تا با بررسی چند عوامل دخیل که کمتر مورد عنایت توجه تاریخ‌نویسی بوده است نگاه و دیدی دیگر را از معماری و شرایط سازنده آن در جامعه یک برهه تاریخی یعنی ایلخانیان داشته باشد. این مباحث عبارت بود از نحوه تقسیم اصناف، جایگاه و شأن اجتماعی معمار، وظایف بازرسان و ناظران در حوزه فعالیت معماران و مهندسان، و در نهایت طبقه بانیان و حامیان در این دوره تاریخی. مطالب و بررسی‌ها نشان از آن داشتند که در فرآیند به ظهور رسیدن یک اثر معماری بخش‌ها و ساختارهای

پیچیده‌ای که از لایه‌های مختلف جامعه در آن حضور داشتند دخیل هستند و به فراخور دخالت عوامل متفاوت، نقش و قدرت ساختارهای مشارکت کننده متفاوت و یا کم‌رنگ و پررنگ بود. بسته به اینکه معمار از چه جایگاهی در جامعه خویش برخوردار بوده، و از سوی چه دسته حامیان و بانیانی مورد حمایت قرار می‌گرفته است، و آیا اینکه اشخاصی چون محتسب بر کار وی نظارت داشتند یا خیر، نقش و تاثیر وی در برپایی بناها متفاوت بوده است. در نتیجه می‌توان گفت توجه به تاریخ اجتماعی در تاریخ‌نویسی معماری اسلامی ایران می‌تواند جنبه‌های بسیار متفاوتی را از ساختار معماری یک عصر به نمایش بگذارد و مانع از کلی‌گویی‌ها در این زمینه شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. به نقل از مهرداد قیومی، نک: درآمدی بر تاریخ ذهنیت عامه در معماری ایران، ۱۳۹۱: ص ۷.
۲. برخی پژوهشگران «تاریخ اجتماعی» را نوعی تاریخ‌نگاری و برخی دیگر آن را نوعی رویکرد می‌دانند. نک: داریوش رحمانیان، پیدایش تاریخ اجتماعی، ص ۵.
۳. این استادان پایه‌گذار مکتب آنال فرانسه شدند (Annales School).
۴. پایه و منبع مباحث و تقسیم‌بندی نفایس‌الفنون برای اصناف، با اندکی تفاوت از کتاب اخلاق ناصری طوسی گرفته شده است. برای توضیحات بیشتر نگاه کنید به: یزدان فرخی، نقد و بررسی دستورالکاتب فی تعیین المراتب، آینه میراث، زمستان ۸۵، ص ۳۶۴.
۵. در دوره قبل از ایلخانان کتابی چون «نامه‌های رشیدالدین و طواط»، به مانند منابع این دوران، اصناف را در مرتبه سوم تقسیم‌بندی خویش قرار می‌دهد که البته همان طبقه متوسط محسوب می‌شود. رشیدالدین در باب این گروه‌ها می‌نویسد: طبقه اول آنان هستند که برای خدمت و اخلاص دولت و بزرگان تلاش و سعی بسیار دارند و بدین سبب در نزد دربار و حکومت جایگاه ویژه‌ای دارند. گروه یا طبقه دوم کسانی هستند که افعال و اعمال و گاه پیشه اینها از دید دیگران پنهان است، و مکر و حيله سرمشق آنها است. طبقه سوم آنان هستند که ایشان را می‌توان «عامه‌البلد و اسرار الاهل و الوالد خواند» و این طبقه ارباب صناعت (نجار، معمار، بنا، درودگر) و اصحاب زراعت هستند که نه وفای ملوک دانند و نه جفا. کار ایشان ترتیب معاش و تدبیر انتعاش زن و فرزند است. (رشیدالدین، نامه‌های رشیدالدین و طواط: ۴۵).
۶. صنف شهری شامل اصنافی می‌شد که زیر نظر محتسب و سایر عوامل دولتی و حکومتی بودند. در مقابل، صنف دولتی اشاره به اصناف و حرفه‌هایی دارد که مستقیماً در خدمت حکومت و اشخاص دولتی بودند و محتسب در باب نظارت بر ایشان وظیفه‌ای نداشت. اما وظیفه محتسب

- در همه دوران‌ها به یک شکل نبود. چنین تقابل صنف دولتی و شهری را می‌توان تقریباً تا دوره صفوی دنبال کرد. نک: عقیلی، سید احمد، ۱۳۹۳: ۱۵۵-۵۶.
۷. نک: هندوشاه نخجوانی، دستورالکاتب، ج ۲، ص ۵۴۴.
۸. نک: عون الهی، تاریخ پانصد ساله تبریز، ص ۱۰۵.
۹. نک: ابن‌اخوه، آیین شهرداری، ص ۲۲۹.
۱۰. نک: جعفری، تاریخ یزد، ص ۱۴۰ و ۱۵۸.
۱۱. همچنین نک به کاشانی، تاریخ الجایتو، صص ۵۱ و ۷۸؛ در کتاب تاریخ الجایتو، کاشانی در بخش‌هایی از کتاب خویش، صحبت از معماران و مهندسان و بنیانی کرده است که در اجرای شهرها و ساختمان‌هایی که با حمایت و همت بزرگان دولتی صورت می‌گرفت حضور داشتند. این معماران و مهندسان هم اشاره به معماران و مهندسان خاصه دارد، و هم معماران و مهندسان مهاجری که از اطراف و اکناف به این شهرها انتقال داده می‌شدند.
۱۲. نقش و وظایف محتسب در شهرهای مختلف جهان اسلام تقریباً به یک منوال بوده است. مرحوم مرتضی مطهری در کتاب فقه و حقوق، ج ۲۰ و مرحوم آیت‌الله منتظری در کتاب مبانی فقهی حکومت اسلامی ج ۲ و ۳، به بررسی کتب مختلف در باب نقش محتسب در نقاط مختلف اسلام و برهه‌های مختلف تاریخی پرداخته‌اند. هر دو این بزرگواران نشان داده‌اند که مجموعه وظایف شرعی و عرفی که محتسب موظف به اجرای آن بوده، تقریباً در تمامی قلمروی اسلام به یک نحو بوده است. همچنین مقایسه کتب و آثاری از دوره سلجوقیان چون سیاست‌نامه نظام‌الملک و کیمیای سعادت غزالی با کتابی از دوره سده نهم هجری چون سلوک‌الملوک (باب سوم) که به بررسی وظایف محتسب در شهرها پرداخته، نشان از روند یکسان بودن وظیفه محتسب در طول این دوران است. در برخی از آثار ایلخانیان چون دستورالکاتب (ج ۱/ صص ۳۱۴ و ۳۱۶ و ۳۷۳؛ مقدمه ج ۲/ صص ۶۲ و ۲۲۶) و تاریخ مبارک غازی (صص ۲۸۸ و ۲۹۰) اشاراتی هرچند کوچک به وظایف محتسب شده است که نشان از آن دارند، چهره و وظیفه محتسب تغییر آنچنانی در مقایسه با دوره‌های قبل نداشته است. نظارت بر بازار، نظارت بر اجرای مراسم‌های مذهبی، و رعایت آداب، و امر به معروف و نهی از منکر، هر چند پراکنده در آثار ایلخانی اشاره شده است. ابن‌بطوطه در سفرنامه خویش که از شهرهای مختلف جهان اسلام دیدن کرده است از نقش محتسب در برخی شهرها مطالبی آورده است که نشان از یکسان بودن وظیفه محتسب در تمامی این قلمروها بوده است. در مقایسه کتاب ابن‌اخوه با آثار قبل و بعد از خودش، همان وظایف نظارت بر بازار و مراسم‌ها و اصناف که در کتب دیگر هم آمده است، قابل مشاهده است.
۱۳. همچنین نک: زیدان، جرجی، ۱۳۷۲: صص ۱۹۳-۱۹۵.

کتاب‌نامه

- آملی، شمس‌الدین محمد بن محمود (۱۳۸۱). *نقائس الفنون فی عرایس العنون*، ج ۲، محقق ابولحسن شعرانی، تهران: اسلامیه.
- آیتی، عبدالمحمد (۱۳۸۳). *تحریر تاریخ و صاف*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ابن‌اخوه، محمد بن محمد (۱۳۶۰). *آیین شهرداری*، ترجمه جعفر شعار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن بطویه، رحله (۱۳۶۹). *سفرنامه ابن بطوطه*، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: طرح نو.
- ابن خلدون (۱۳۷۵). *مقدمه ابن خلدون*، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اتابکی، تورج (۱۳۸۲ الف). *مورخان و تاریخ اجتماعی*، کتاب ماه و تاریخ جغرافیا، س ۷، ش ۷۳.
- اتابکی، تورج (۱۳۸۲ ب). *تاریخ اجتماعی نگاه از پایین*، کتاب ماه علوم اجتماعی، س ۷، ش ۷۱ و ۷۲.
- احمد بن حسین بن کاتب (۱۳۵۷). *تاریخ جدید یزد*، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- استفورد، مایکل (۱۳۹۲). *درآمدی بر فلسفه تاریخ*، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشر نی.
- استفورد، مایکل (۱۳۸۱). *تاریخ و علوم اجتماعی*، ترجمه مسعود صادقی علی‌آبادی، پژوهشنامه متین، س ۵، ش ۱۷.
- اشرف، احمد (۱۳۵۳). *ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی*، نامه علوم اجتماعی، س ۳، ش ۴.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۴۷). *محتسب که بوده است؟*، بررسی‌های تاریخی، س ۳، ش ۱۷.
- برک، پتر (۱۳۸۱). *تاریخ و نظریه اجتماعی*، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها، تهران: دانشگاه تهران.
- برومند، صفورا (۱۳۹۳). *آسیب‌شناسی آموزش تاریخ اجتماعی در نظام آموزش عالی ایران*، تحقیقات تاریخی اجتماعی، س ۴، ش ۱.
- بلر، شیبلا (۱۳۸۷). *الگوهای هنرپروری و آفرینش هنری در ایران دوره ایلخانان*، ترجمه ولی‌الله کاوسی، گلستان هنر، س ۴، ش ۱۳.
- بیانی، شیرین؛ حسین مفتخری، محمد رضا جوادی یگانه (۱۳۸۶). *مسائلی در باب تاریخ‌نگاری اجتماعی و تاریخ اجتماعی*، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، س ۱۱، ش ۱۱۲.
- پویای ایرانی، منیره (۱۳۸۶). *نمود طبقات و مشاغل در مکاتبات رشید*. علامه، س ۴، ش ۱۶.
- جعفری، جعفر بن محمد (۱۳۸۴). *تاریخ یزد*، به کوشش ایرج افشار، تهران: علمی و فرهنگی.
- جهانگرد، نسرين (۱۳۷۸). *مکتب آنال*، روش تحقیق در تاریخ و تاریخ‌نگاری، تهران: جامی.
- خان‌محمدی، علی اکبر (۱۳۸۵). «حسبه» و «وقف» دو نهاد حقوقی متناظر در جهان اسلام، وقف میراث جاویدان، س ۱۳، ش ۵۶.
- خسرویگی، هوشنگ؛ فرخی، یزدان (۱۳۹۱). *مقایسه تطبیقی بازتاب اصلاحات غزانی در جامع‌التواریخ با دستورالکاتب فی تعیین المراتب*، جستارهای تاریخی، س ۳، ش ۱.
- خلیفه، مجتبی (۱۳۸۳). *تاریخ و نظریه اجتماعی*، کتاب ماه و تاریخ جغرافیا، س ۸، ش ۷۹.
- خلیلی تیرتاشی، نصرالله (۱۳۸۴). *ابن‌اخوه و اندیشه‌های اقتصاد*. *ادیان، مذاهب و عرفان*، س ۱۴، ش ۸۹.

- راوندی، مرتضی (۱۳۵۷). *تاریخ اجتماعی ایران*، ج ۳، تهران: امیر کبیر.
- رشیدالدین و طواط (۱۳۸۳). نامه‌های رشیدالدین و طواط، به اهتمام قاسم توپسرکانی، تهران: دانشگاه تهران.
- رضوی، سیدابوالفضل (۱۳۸۹). تشکیلات پیشه‌وری در عهد ایلخانان، *تاریخ ایران بعد از اسلام*، ش ۱.
- رحمانیان، داریوش (۱۳۸۶). پیدایش تاریخ اجتماعی، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، س ۱۱، ش ۱۱۲.
- زندیه، حسن (۱۳۹۰). *تاریخ اجتماعی، تاریخ اسلام*، س ۱۲، ش ۴۵ و ۴۶.
- زیدان، جرجی (۱۳۷۲). *تاریخ تمدن اسلامی*، ج ۱، ترجمه علی جواهرکلام، تهران: امیرکبیر.
- ساماران، شارل (۱۳۷۰). *روش‌های پژوهش در تاریخ*، ترجمه گروه مترجمان، مشهد: آستان قدس رضوی.
- سری، ابوالقاسم (۱۳۷۸). منصب محتسب در ایران، *حکومت اسلامی*، س ۴، ش ۱۳.
- طوسی، نصرالدین (۱۳۲۰). *اخلاق ناصری*، به اهتمام جلال همایی، تهران: ایران.
- عقبلی، سیداحمد (۱۳۹۳). طبقه‌بندی اصناف و تبیین ساختاردرونی و بیرونی آنها در عصر صفویه، *مجله تاریخ نامه ایران بعد از اسلام*، س ۴، ش ۸.
- عون‌الهی، سید آغا (۱۳۸۸). *تاریخ پانصد ساله تبریز*، ترجمه پرویز زارع شاهمرسی، نشر: تبریز.
- فضل‌الله، رشیدالدین (۱۳۵۸ ق). *تاریخ مبارک غازی*، به اهتمام کارل یال، لندن: اوقاف گیب.
- فضل‌الله، رشیدالدین (۱۳۵۶). *وقف‌نامه ربع رشیدی*. به اهتمام مجتبی مینوی و ایرج افشار. تهران: انجمن آثار ملی.
- فرخی، یزدان (۱۳۸۶). نقد و بررسی دستورالکاتب فی تعیین المراتب، *آینه میراث*، س ۱۰، ش ۳۹.
- فروغ بخش فسایی، احمد (۱۳۸۰). دستورالکاتب فی تعیین المراتب اثر هندوشاه نخبجوانی، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، س ۵، ش ۵۱ و ۵۲.
- فروغ‌بخش فسایی، احمد (۱۳۸۳). سه دیوان مهم در عهد ایلخانی، *کتاب ماه و تاریخ جغرافیا*، س ۸، ش ۸۱ و ۸۲.
- فلور، ویلم (۱۳۸۸). اصناف، ترجمه یزدان فرخی، *نامه انجمن*، س ۹، ش ۳۵ و ۳۶.
- قنبری، حمید (۱۳۸۲). مقارنه آرای امامیه و اهل سنت در حسبه و امور حسبیه، *مطالعات اسلامی*، س ۱۹، ش ۶۱.
- قیومی بیدهندی، مهرداد؛ امید شمس. (۱۳۹۱). *درآمدی بر تاریخ ذهنیت عامه در معماری ایران، مطالعات معماری ایران*، س ۱، ش ۲.
- قیومی بیدهندی، مهرداد (۱۳۸۷). *حمایت و هنرپروری و زوایای پنهان در تاریخ هنر ایران، گلستان هنر*، س ۴، ش ۱۳.
- کاشانی، عبدالله بن علی. (۱۳۸۴). *تاریخ اولجایتو*، به اهتمام مهین همبلی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کالینگوود، رابین جورج. (۱۳۸۹). *مفهوم کلی تاریخ*، ترجمه علی اکبر مهدیان، تهران: کتاب آمه.
- لاله، هایده. (۱۳۷۵). *معماران دوره اسلامی، دانش نظری و کاربرد عملی آن، وقف‌میراث جویساران*، س ۴، ش ۱۵ و ۱۶.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۰). *فقه و حقوق*، ج ۲۰، تهران: صدرا.

منتظری، حسینعلی. (۱۳۷۱). مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج ۲ و ۳، ترجمه و تقریر محمود صلواتی، تهران: کیهان.

موسی‌پور، ابراهیم (۱۳۸۶). تاریخ اجتماعی رویکردی نوین به مطالعات تاریخی، تاریخ و تمدن اسلامی، س ۳، ش ۶.

ناظری، محمدرضا (۱۳۹۲). تعامل یا تقابل بررسی آراء پیتر برک، علوم اجتماعی، س ۱۶، ش ۷۲، نخجوانی، محمدبن هندو شاه (۱۳۵۵). دستورالکاتب فی تعیین المراتب، تصحیح عبدالکریم علی‌اوغلو، علیزاده، مسکو: دانش.

نوذری، حسینعلی (۱۳۹۲). فلسفه تاریخ، روش شناسی و تاریخ‌نگاری، تهران: طرح نو. و صاف الحضرة، عبدالله بن فضل‌الله (۱۳۳۸). تاریخ و صاف (تجزیه الامصار و تجزیة الاعصار)، تهران: کتابخانه ابن سینا.

ویلیبر، دونالد (۱۳۶۵). معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانی، ترجمه عبدالله فریار، تهران: علمی و فرهنگی. هال، جان (۱۳۸۹). تاریخ فرهنگی، ترجمه عباس احمدوند، کتاب ماه و تاریخ جغرافیا، س ۱۴، ش ۱۳۴. یوسفی، غلامحسین (۱۳۴۸). انعکاس اوضاع اجتماعی در آثار رشیدالدین، جستارهای ادبی، س ۵، ش ۱۹.

Central European University, Budapest. (2006). *Social History: school, Methods and case studies*, Constantin Iordachi, Department of History.

Conrad, C. (2001). *Social History in International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, ed. Neil H. Smelser, Paul B Baltes, pp. 14299-14306.

Evans, Eric. (2015). *Social History*.

http://www.history.ac.uk/makinghistory/resources/articles/social_history.html (2015.05.16)

Fairburn, Miles. (1999). *Social History, problems, Strategies + methods*, New York, St. Martin's press.

Tilly, Louise A. (1980). *Social History and its critics*, Published in university of Michigan.

Samuel, Raphael. (1985). *what is Social History?* Published in history today, volumes 35, issue 3.